

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/09/16



موضوع: بررسی نهایی نسبت به حکم متنجس به متنجس
در این رابطه بحث شد و اقوال و ادله گفته شد.

معتبره عیص بن قاسم دلالت و سند آن
سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: درباره حکم متنجس به متنجس معتبره
عیص بن القاسم دلالتی دارد که حکم را از ابهام بیرون می آورد. که عبارت است از: و روی
الشهید فی الذکری و روی المحقق فی المعتبر عن العیص بن القاسم «قال سألته عن رجل
أصابته قطره من طشت فيه وضو فقال ان كان من بول أو قذر فیغسل ما أصابه»[1]. می
فرماید: این حدیث دلالتش بر مطلوب کامل است. مدعای ما این است که متنجس به
متنجس حکمش تغسیل مره واحده است، از این حدیث شریف استفاده می کنیم که
متنجس به متنجس فقط یک بار تطهیر بشود، کافی است[2]. سوال شد از امام صادق سلام
الله تعالی علیه کسی که یک قطره ای از طشتی که در او وضو می سازد به لباسش اصابت
کرد. منظور از آن طشت که وضو می گیرد، ظرف و لگن بزرگی که قطعاً متنجس بوده، اگر
متنجس نبود جایی برای سوال وجود نداشت. امام فرمود: اگر از بول یا قذر یا نجاستی
«فیغسل ما أصابه»، باید تطهیر شود آنچه که از آن طشت به او اصابت کرده. آب طشت
متنجس بود و چیزی که به او اصابت کرده می شود متنجس به متنجس. حکمش هم غسل
است اطلاقاً. منظور از اطلاق هم اطلاق قسم دوم است. که گفتیم اطلاق دو قسم است:
اطلاق شمولی که اختصاص به لفظ دارد و اطلاق به معنای رفض القیود که اطلاق مقامی می
تواند باشد. در اینجا اغسله گفته است مقتضای اطلاق یعنی مسمای غسل کافی است. هر
قید اضافی را این اطلاق رد می کند. تکرار مرتین و ثلاث مرات به توسط اطلاق رفض می
شود. دلالت این حدیث به مطلوب درست است. اما سند مرسل است، روی الشهید و روی
المحقق گفته است. همان قانونی که در رجال بود را اینجا سیدنا به کار می برد که اگر روی

بگوید بشود مرسل و اگر بگوید رُوی، منظور از رُوی قال است، یعنی برای شهید و برای محقق حلی ثابت شده است صدور این روایت. ما به شهید اعتماد داریم و به محقق حلی اعتماد داریم و آنها هم اعلام می کنند که صدر هذا الحدیث. لذا اگر گفتند رُوی یا قیل یا نُقل می شود مرسل اما اگر گفت رُوی یا قال برای گوینده که شیخ صدوق باشد یا شهید یا از این اعلام ثابت شده است و ما از آنجا که به خود شهید و محقق اعتماد کامل داریم، و آنها فاصله زمانی دارند، اما طبیعتاً کتاب اینها را دیده اند و برایشان ثابت شده است، سند قابل اعتماد است، لذا تعبیر می کنند معتبره. براساس این معتبر مطلب کامل شد که متنجس به متنجس حکمش تغسیل مره واحده است.

سوال: از کجا می فهمید رُوی یا رُوی است.

جواب: اینها را محققین اهل حدیث در اثر تحقیقات خودشان کشف می کنند و عبارت گذاری هم شده است. در وافی عبارت گذاری شده است. و آن رُوی و رُوی قرائن خاصی دارد، در صورتی که محقق و شهید و امثال یک مطلبی را مستند می کند به یک حدیث و بعد می گوید رُوی این تناسب حکم و موضوع و شکل کلام نشان می دهد که این رُوی است و آن وافی هم از این موارد استفاده می کند. و اگر یک قولی غیر قابل اعتمادی گفته شد و قیل و رُوی است.

اصل در نصوص در مقام بیان بودن است

سوال: این روایت در مقام تشریع است یا در مقام بیان است؟

جواب: اصل در نصوص این است که در مقام بیان باشد. و قرینه هم در مقام بیان بودن این است که در متن روایت حکم شرعی اعلام شده باشد. فرق بین مقام بیان و مقام تشریع این است که ما طبیعتاً در نصوص به طور مشخص نمی توانیم تشخیص بدهیم که اینجا مقام بیان است و اینجا مقام تشریع است. اما قاعده دارد: 1. اصل در نصوص مقام بیان است، مقام تشریع خلاف اصل است. 2. اگر نصی حامل حکمی بود که آن حکم خصوصیتی هم داشت، در اینجا مقام بیان می طلبد که خصوصیتش را بیان کند و اگر خصوصیات آن را بیان نکرد، اخذ به اطلاق می کنیم. بنابراین براساس فرمایش سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه معتبره عیص بن القاسم مستند درستی است نسبت به حکم متنجس به متنجس که همان تغسیل مره واحده باشد.

قانون کلی اطلاق است

سیدنا الاستاد در نهایت امر می فرماید قانون کلی این است اگر این اطلاقاتی که گفته شد کافی بود که به مقتضای این اطلاقات ما اخذ می کنیم و حکم به مره واحده و اعلام می کنیم که تغسیل درباره متنجساتی که دلیل لفظی ندارند، مقتضای اطلاق این است که غسله واحده کافی باشد، اگر اطلاقات محل اشکال نشد. و اما اگر به اطلاقات اشکال شد که این

اطلاقات در جهت بیان اصل غسل بود نه در جهت بیان کیفیت، اگر این اشکال شد قدر متیقن می شود آن متنجسی که غسل مره واحده هم انجام نشده باشد، آن محکوم به نجاست است. اما آن متنجس به متنجسی که یک بار شستشو و تطهیر بشود، شک می کنیم، در اینجا که شک کردیم طبق قاعده استصحاب جاری می شود، برای اینکه ارکانش تمام است، نجاست حالت سابقه دارد، مانع استصحاب اطلاقات بود و اطلاقات هم به نتیجه نرسید، جهت داشت. مگر اینکه می فرماید: بر مبنای ما استصحاب در شبهات حکمیه کلیه جاری نیست چون همیشه معارض است با استصحاب عدم جعل. در صورتی که استصحاب جاری نشود، می فرماید: لا. محاله باید مراجعه کنیم به قاعده طهارت. شک در طهارت می شود و قاعده طهارت می شود مستند ما.

تحقیق

پس از تحقیق و بررسی از کلام صاحب جواهر و فقیه همدانی و سید الحکیم و سیدنا الاستاد و امام خمینی قدس الله انفسهم الزاکیات به این رسیدیم که اگر اطلاقات به نتیجه نرسید، به استصحاب مراجعه کنیم و گفته شد که این استصحاب هیچ مشکلی ندارد. بر اساس این استصحاب گفتیم احوطی که در متن آمده است، «الاحوط التعدد فی سایر النجاسات بل کونهما غیر الغسله المزیله» این احوط لزوماً اضافه بشود.

تتمه: اشکالات استصحاب

در تتمه سیدنا الحکیم قدس الله نفسه الزکیه درباره این استصحاب چند تا اشکالی را تعرض می کند و جواب می گوید. اشکال اول این است که می فرمایند: گفته می شود که استصحاب جاری نیست بلکه در اینجا برائت جاری است. برای اینکه نجاست منتزع است از حکم تکلیفی، وجوب غسل. و طبق مبنای شیخ انصاری که می فرمود حکم وضعی منتزع است از حکم تکلیفی. پس برمی گردیم به منشأ انتزاع، منشأ انتزاع وجوب غسل بود، وجوب که حکم است و تکلیف است، مشکوک می شود. شک در وجوب بکنیم و شک در وجوب که بکنیم مجرای برائت می شود و جایی برای استصحاب دیگر نیست، چون شک در تکلیف می شود. سید الحکیم این را جواب داده است در دو مرحله: مرحله اول می فرماید: این نجاست اگر بناء بشود که انتزاع شود از وجوب غسل، این مستلزم دور است. چون که شرعاً در موضوع وجوب غسل نجاست اخذ شده قبل از وجود، و بعد که از بگوئیم نجاست منتزع از وجوب غسل است، «ما کان المتقدم هو المتأخر و ما کان المتأخر هو المتقدم»، خلف و دور است و ممکن نیست. و جواب دوم این است که مقتضای نصوص باب این است که نجاست امر انتزاعی نیست، نجاست اثر حقیقی مترتب بر ملاقات شیء با نجس است. پس از اساس نجاست امر انتزاعی نیست تا گفته بشود منشأ انتزاع که وجوب غسل است و آن هم بشود مشکوک و در موردی شک در وجوب برائت جاری کنید، از اساس انتزاع درست نیست. اشکال دوم این است که می فرماید: این استصحاب از قبیل استصحاب کلی قسم دوم است مثل فرد مردد به طویل و قصیر. و مبنای سید الحکیم بر این است که استصحاب در صورتی که از قسم دوم استصحاب کلی باشد، ارکان کامل نیست، هرچند بر مبنای سیدنا الاستاد استصحاب هم اینجا ارکانش کامل است. بنابر مبنای سید الحکیم استصحاب قسم دوم کلی

ارکانش کامل نیست، لذا این استصحاب قابل تمسک نخواهد بود. جوابش را داده اند، می فرماید: در این مورد مستصحاب مردد بین فرد طویل و قصیر نیست، بلکه مستصحاب طبیعت کلی نجاست است، آن طبیعت ممکن است مصداقش مره باشد مرتین باشد، مره و مرتین از مراتبش است و حدود ماهیتی نیست تا مردد بشود. مراتب است و ماهیتاً طبیعت واحده است. بنابراین تعدد مراتب موجب تعدد ماهیت نمی شود، طبیعت واحده ای است به عنوان نجاست یا طبیعت نجاست، آن استصحاب می شود [3]. اشکال سومی که سیدنا الاستاد دارند که فرمودند استصحاب در شبهه حکمیه کلیه جاری نیست، برای اینکه معارض است با استصحاب عدم جعل، گفتیم اولاً مبنایی است، مشهور این است که استصحاب در شبهات حکمیه جاری است، و ثانیاً مبتنی است به قول به جریان استصحاب عدم ازلی، چون استصحاب عدم جعل در حقیقت استصحاب عدم ازلی است که آن هم خودش متزلزل است. در عین حال استصحاب به نظر می رسد بلا اشکال باشد و فتوای متن هم درست است منتها به احوط کلمه لزوماً را اضافه می کنیم.

مسئله پنجم

مسئله پنجم: سید یزدی می فرماید: «يجب فی الاوانی اذا تنجّست بغیر الولوغ الغسل ثلاث مرات فی الماء القلیل و اذا تنجّست بالولوغ التعفیر بالتراب مره و بالماء بعده مرتین». در ظروفی که دارای یک فضای درونی است، یک دری دارد، اگر متنجس بشود مثل کوزه یا قوری به خون و بول و امثال غسل ثلاث مرات است. اما شرح مسئله: در این مسئله اتفاق نظر وجود ندارد، بلکه اجماع منقولی هم برنخوردیم بلکه شهرتی هم اعلام نشده. فقط می توانیم بگوییم که کثیری از متاخرین بر این هستند که غسل ثلاث مرات انجام بشود.

قول اول

اما اختلاف اقوال: قول اول که مطابق با متن است قائلین به این قول عده ای از فقهاء هستند از جمله شیخ طوسی قدس الله نفسه الزکیه در کتاب نهایی می فرماید: اوانی متنجسه به غیر ولوغ هم باید تغسیل بشود سه مرتبه [4]. می دانیم که فتاوی شیخ عمدتاً در نهایی تدوین شده است که کتاب فتوایی است و آراء که به عنوان فتاوا از شیخ استفاده کنیم باید به نهایی مراجعه کنیم. مبسوط کتاب استدلالی است و در حد نهایی فتوا صریحاً اعلام نشود. و بعض دیگر از فقهاء مثل شهید قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: حکم در تغسیل اوانی متنجسه همان شستن سه مرتبه است [5].

قول دوم و ادله آن

قول دوم آنهایی که می گویند اوانی هم اگر متنجس بشوند به غیر ولوغ حکم تطهیرشان همان مره واحده است و تغسیل یک مرتبه کافی است. از جمله این دسته از فقهاء محقق حلی است که می فرماید: درباره اوانی متنجس به غیر ولوغ غسل مره واحده کافی است [6]. گفته می شود از جمله ادله قول دوم حدیث مرسلی است که در مبسوط شیخ نقل می کند در مورد بیان حکم اوانی، می فرماید: «رُوی غسله واحده»، که شیخ که بگوید «روی» روایت می شود. بنابراین یک روایت مرسلی می شود. ممکن است به این روایت مرسل اعتماد کرده

باشند و دلیل دوم شان هم اصاله البرائه باشد. مرتبه اول که تطهیر انجام شد، نسبت به مرتبه دوم شک در اصل وجوب مرتبه دوم صورت می گیرد و در صورت شک در وجوب جا برای برائت آماده است. با اصاله البرائه وجوب مرتبه دوم را نفی می شود. این دو دلیل گفته شده، اما ممکن است بگوییم که در این رابطه صحیح محمد بن مسلم اطلاقی دارد که به وسیله اطلاق آن می توانیم اعلام بکنیم که در مورد تنجس اوانی غسل مره واحده کافی است. و عن الحسین بن سعید، اسناد شیخ به حسین بن سعید اهوازی درست است، عن حماد عن حریر عن محمد بن مسلم «عن ابی عبد الله علیه السلام قال سألته عن الکلب یشرب من الاناء قال اغسل الاناء»[7]. سوال شد درباره ظرفی که در آن ظرف نجاست و ملاقات با نجس صورت گرفته است، که ولوغ نیست بلکه تنجس است. آن ظرف متنجس شده است، حکمش چیست؟ امام فرمود: «اغسل الاناء»، فقط آن ظرف متنجس را تطهیر کنید، مقتضای اطلاق اکتفاء به غسله واحده است. نیاز به غسل مرتین وجود ندارد. اطلاق رفض القيود می کند، مقتضای این اطلاق این می شود. بنابراین ممکن است بگوییم آن مرسل از یک سو و اصل از سوی دیگر این اطلاق از جهت سوم و عدم دلیل شرعی بر وجوب غسل مرتین از این چهار دلیل که کمک بگیریم، نتیجه این می شود که آنچه که محقق حلی فرموده اند، درست و صحیح باشد. تا اینجا قول دوم مطابق با متن شرائع ادله اش مشخص شد، اما قول اول مطابق با متن ادله اش آن چیست، در جلسه آینده.

[1] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 1، ص 156، ابواباء مضاف، ب 9، ح 14، ط اسلامیة.

[2] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج 4، ص 39.

[3] مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج 2، ص 18.

[4] النهایه، شیخ طوسی، ص 5.

[5] الذکری، شهید اول، ج 1، ص 15.

[6] شرائع الاسلام، محقق حلی، ج 1، ص 45.

[7] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 1، ص 162، ابواباستار، ب 1، ح 3، ط اسلامیة.